

## باب « ز »

(نقطه‌دار)

- احمد بن محمد - مکتبی نابوتنا ، از علمای عامه قرن دهم هجرت  
رانی  
میباشد که در تاریخ ۹۶۵ هـ قمری کتاب اعراب الهمزات را تألیف  
داده و سال وفات و مشخص دیگری ندست بیامد (ص ۴ ۲۴ ح ۴ س)
- در اصطلاح علم رجال لقب صالح بن ابی حمزه بوده و شرح حال  
رادی  
یا  
موکول بدان علم شریف است رادیه
- محمد قاسم - از شعرای مشهور مقدس رضوی ع میباشد که در تواریخ  
راری  
و سیر بصر باحر بود ، سال ۹۷۹ هـ قمری (طعظ) در میدان  
اصهبان بدست راهزنان مقتول گردیده و از اشعار او است
- بردار میکشد سر عاشقان رار راری، نو بر عاشقی اسحاسری بیار
- بک تن شاعر شیرازی بیر تحلیص راری داشته و از اشعار او است
- راش حجر به بهها جگرم میسورد بسکه بگریسته‌ام ، چشم ترم میسورد
- رمان حیات این راری سیراری مصبوط بیست (ص ۴ ۲۴۰۵ ح ۴ س)

## زاکانی

- حیران بن اسحق - عنوان زاکانی که حرف اولس رای بی نقطه  
زاکانی  
است مذکور شد

---

۱- زاکانی - مسوب است بر اکان، و آن قبيله ایست از عرب که در قزوین سکونت داشتند،  
علمای نامدار و وررا و اركان دولت از ایسان بر جاسته‌اند در تاریخ گریده حمدالله مستوفی  
(که در حدود سال هفتصد و سی‌ام هجرت تألیف شده) در فصل هفتم از اصولی که سهر قزوین\*\*

## راکابی

عبداللہ معروف بن سعید راکابی قزوینی، ملقب بہ نظام الدین، کہ

گاهی بحواحه بیر موصوفش داشته و حواحه نظام الدین و حواحه

عبید گویند وی شاعر مشفی کاتب از حادثان راکابیان قزوین بلکه از علمای معروف و

دانشمندان قرن هشتم بود، مدتی بیر وزارت یافت، چندی هم در شیراز در دربار شیخ

ابواسحق ایبحو پادشاه فارس (۷۱۸-۷۵۸ هـ ق) و شیخ اویس بن امیر شیخ حسن حلایر

(۷۵۸-۷۷۶ هـ قمری) رسته و از شعرای دربار ایشان بود، مدح ایشان میگفته و بواسطه

اشعار و رسائل خویش بسیار مشهور و با بزرگان زمان احتلاط و پیوستگی داشت، در

نظم و نثر پارسی در کمال قدرت و مهارت و در میان نویسندگان قرن هشتم دارای مقامی

بس بلند بوده و زبان فارسی را در نهایت لطافت و حلالت ادا میکرده است ناآن همه

مراتب علمی و فصلی و ادبی محص بجهت کثرت هرل و طرافت که در سرشت داشته بهمین

صفت شهرت یافت و نام او از دفتر علما خارج گردید یکی از دوستانش این را شنیده

و در حیرت ماند که چگونه باشد کسی ناآن همه وصل و فهم و کمال، ترک علم و ادب کند

و بهرل و ززل بن در دهد بلکه خصوصاً از در اعتراس در آمده و ملامتش کرد که از کمالات

و فصائل، احتساب کردن و شیوه هرل در آمدن دور از طریق عقل است، عبید این قطعه

را بوی فرساده و یا بخودش فرو خواند

ای حواحه مکن نا توانی طلب علم

رو مسخره گی بیشه کن و مطربی امور

علاوه بر هرل و طرافت طبیعی که در سرشتش بوده و سبب خروج نام او از دفتر علما گردید

\*تحصیص داده در ذکر بزرگان و قبائل آن شهر گوید راکابان، اصلان از عرب بنی حفاحه

بود و مشوری از حضرت رسول ص بحط حضرت امیر المؤمنین علیه السلام دارند (سجده آن مشهور

را راعی نقل کرده است) و دوشنبه بوده اند یکی علما و دیگری از باب صدور و اسامی حندی

از شعبه اولی را ذکر کرده و گوید از شعبه دومی است صاحب سعید صفی الدین راکابی و صاحب

معظم حواحه نظام الدین عبداللہ که اشعار خوب دارد و رسائل بی نظیر انتهى و ما در اسحا بعضی

از معروفین بهمین نسبت را تذکر می دهیم

ریا و ترویر و خشکی‌ها و سالوسی‌های بعضی اشخاص مدهمی و دوروئی و طاهرساری و مردم‌فرسی ایشان (که در قرن هشتم رواجی تمام داشته و علاوه بر حیات بردن و مذهب، حیات بررگی بر عالم اسابیت و سطر حقیقت شرک حقیقی می‌باشد) مخالف مذاق و مسلک خداپرستی شخصی خود عید بیر بوده‌است این مسأله بیر عامل قوی، در خروج نام وی از دفتر علما گردید و در تمامی رسائل نظمی و نثری خود، طاهرپرستی و دوروئی ایشان را با کمال دلیری بیان آورد و در واقع او بیر مانند معاصرش حافظ شیرازی گرفتار سالوسی و چاپلوسی و ریا و ترویر و دوروئی مردمان آن زمان شد خصوصاً شهر شیراز که مرکز این گونه عوام‌فریبان بود، شیخ و محتسب و واعظ و شخصه و دیگر طبقات متنوعه همه ساط ترویر و ریاگسترده و در آزار مردمان حقیقت‌پرست و یگرو فروگذاری نداشتند اینک هر دو، در اشعار و کلمات خودشان فریاد از ایشان رده‌اند عید چون نمیتوانست حقائق و واقع مطلب را آشکارا بر زبان آورد راه دیگری پیش گرفت و سبحان خود حامه هرل و داستان پوشانید و حقیقت را در زیر پرده بیان کرد حبابچه مطومه سنگ تراش و موش و گربه او که بسیار مشهور و نارها چاپ شده است و دیگر آثار او در وصف همین راهدان ریائی مردم‌فریب و شکسجه و آزار ایشان است طاهر آست که این بیچاره، خون در مبارزه با آن مشرکین حقیقی فروگذاری نداشته هدف تیر ریا و ترویر گردنده و بجهت عدم قدرت بر اظهار حقیقت، کلمات خود را در کسوت هرل و مسخره گفته و بهمین جهت بهرالی مشهور و در سلك شعرا مسلك گردیده است و الاموافق آنچه از ریاض العلماء نقل شده از احادی علمای می‌باشد خدا یا رین معما پرده بردار

گویند عید، کتابی در علم بیان و معانی سام شاه ابواسحق تألیف داده و می‌خواست که سطر شاه رساند گفتند یکمفر از اهل هرل و مسخره برد شاه است و شاه بوی مشغول میباشد و مجال ملاقات نیست عید در شکفت ماند که اگر ما باشد راه تقرب سلطان توسط مسخره‌گی بوده، علما و فضلا از دیدار شاه محجوب گردید دیگر این همه دود حراع خوردن برای چیست؟ اینک بیش از ملاقات شاه برگشته و مترنم اس رباعی گردید

در علم و هنر مشو چو من صاحب فن      تا مرد غریبان بشوی حواری چو من  
خواهی که شوی فول ارباب ر من      کماک آور و گسگری کس و کنگره رن  
گویند معاصر او سلمان ساوحی (متوفی سال هفتصد و هفتاد و هشت یا به هجری) در  
هجو او گفته است

جهنمی و هجاگو عید را کاسی      مقرر است سه بیدولتی و بیدیبی  
اگر چه بیست ر قروین و روستاراده است      و لیک میشود اندر حدیث فرویبی  
این اشعار شهرت نافت ناآنکه در قروین مسموع خود عید گردید پس بمرم ملاقات سلمان  
عریمت بعداد داد ، بعدار ملاقات ، سلمان پرسید از اهل کجائی گفت قرویبی ام، سلمان  
پرسید که شعر سلمان در آن نواحی شهرتی دارد یا نه گفت بلی پس این بیت سلمان را  
فرو خواند

میکشدم چو سو دوش بدوش      میرندم چو قذح دست بدست

سلمان تصدیق کرد که بلی این بیت از وی است پس عید گفت شعر سلمان بیست بلکه آنرا  
رن سلمان حسب حال خود گفته است سلمان بسیار بر آشفته و گفت مگر بو عید هستی  
گفت بلی ، پس از معانه سلمان گفت نادیده هجو مردم گفتن عیب فصلا است فقط بجهت  
بو بعداد آمده ام که سرایت بدهم اما بخت بو مساعد شد که از زبان من بزمین مقدار خلاص  
شدی بس سلمان خدمتها کرد و تا آخر عمر با یکدیگر مصاحبت داشتند و از آثار فلمی  
عید است

۱- احلاق الاشراف در دریعة این کتاب را بعضی از اصحاب (علمای امامیه) بست داده و نام مؤلف را مذکور نداشته است و گویند فارسی و بهت باب مشتمل و سال ۷۵۱ هـ ق تألیف شده و در حائی دیگر دیدم که ده فصل بوده و سال ۷۴۰ هـ ق تألیف شده است  
۲- ترحیع بند ۳- تصمیمات ۴- تعریفات ۵- دلگشا که رساله ایست ۶- دیوان اشعار که در حدود دوهزار بیت بوده و مشتمل بر مقطعات و فصائد مسامد ۷- رباعیات ۸- ریش نامه ۹- سنگ تراش که منظومه است ۱۰- صد بند ۱۱- عشاق نامه که در سال ۷۵۱ سروده و حاوی با صدسب مسامد ۱۲- فال نامه ۱۳- قطعات ۱۴- مقامات فارسی، بر طبق مقامات عربیه

فحول علما که بمراتب علم و فضل و تخصص و توسع وی در فنون متنوعه برهانی قاطع بوده و یک نسخه از آن برد میرزا عبداللّه افندی صاحب ریاض العلماء بوده است ۱۵- موش و سگرنه که بسیار مشهور بوده و بارها چاپ شده است ۱۶- هرنیات و غیر اینها که اکثر آنها در اوصاف راهدان ریائی و بی حقیقت میباشد، تصریحاً و تلویحاً افعال ناشایست و حرکات ناایست ایشان را که برگزین حمایت بر اسلام و تیشه بر ریشه دیانت حقه میباشد با بیانات شیوا بدکر میدهد عید سال ۷۷۱ یا ۷۷۲ هـ قمری (دعا یا دعب) درگذشت از این تاریخ وفات و معاصر بودن نا حافظ و سلمان و تاریخ بعضی از آثار او و دیگر قرائن مذکوره، فساد و بطلان قول بعضی که از علمای عهد شاه ظهماسی اش داسته اند طاهر و مکشوف میگردد (ص ۲۵۶ ج ۲ بی و ۱۴۵ سعینه و عره)

تشدید مبیم، بران عربی کسی را گویند که بیسی شتر را سوراخ

رام

میکند و در اصطلاح رحالی لقب سعد بن ابی خلف بوده و شرح

حالش موکول بدان علم شریف است

در اصطلاح رحالی، احمد بن حارث و حصیب بن عبدالرحمن و

راهد

جمعی دیگر میباشد و شرح حال ایشان در آن علم بوده و در اینجا

شرح حال بعضی دیگر که مصطلح ادنا و ارباب تراحم است میرد دارد

محمد بن عبدالواحد - بعنوان مقرر خواهد آمد

راهد

از فصای عرفای نعمت اللّهی اوائل قرن سیزدهم هجری میباشد

راهد گیلانی

که جامع منقول و معقول بود و نسبت طریقتی وی شیخ راهد

گیلانی مرشد شیخ صفی الدین اردبیلی موصوف میشود، سال ۱۲۲۲ هـ قمری (عربک) در

اثمای سفر بیت اللّهی الحرام در کاطمین وفات یافته و از اشعار او است

با اهل ریا و کبر و کین پیوستم

عمری بدر مدرسه ها نشستم

هم از خود وهم ز غیر خود وارستم

از یک نظر عاشق رمزی آحر

(ص ۴۵۳ ریاض المعارف)

اسم و مشخص دیگری بدست نیامد

راهدی

شیخ ابراهیم بن عبدالله بن عطاءالله - اصفهانی ، راهدی گیلانی ،

موافق آنچه از تذکره برادرزاده اش شیخ محمدعلی حرین اس

ایطال سالف الترحمة نقل شده از افاضل متحریرین علمای اوائل قرن دوازدهم هجرت میباشد که جامع علوم دینیّه ، مطهر معارف یقینیّه ، حاوی کمالات صورتیه و معنویّه ،

مؤید تاییدات الهیه ، حسن التقریر والتحریر ، در شعر و اشا و کشف معنایی بطیر بود و اقسام خطوط معموله را خوب می نوشته و از تألیفات او است

۱- توضیح کتاب اقلیدس ۲- حاشیه مختلف علامه که نامش رافع الخلاف یا رافعة

الخلاف است ۳- حاشیه کشاف که نامش کاشف یا کاشفة العواشی است ۴- رافع الخلاف که مذکور

سد ۵- العوائد العراء فی مدح آل العباء ۶- کاشف العواشی که مذکور شد و سال ۱۱۱۹ هـ

قمری (عقیط) در لاهیجان وفات یافت

شیخ ابوطالب بن عبدالله راهدی گیلانی اصفهانی بیر از افاضل سلمای اوائل قرن

دوازدهم هجرت میباشد که اصل و مولد و منشأ وی شهر لاهیجان از بلاد گیلان بود ، علوم

عربیّه و درس متن را در لاهیجان از ملاح حسن لاهیجانی خوانده نادر بیست سالگی ناصهان

که در آن اوان مرجع افاضل زمان بوده رفت ، ریاضیات را از ملا رفیع بردی فراگرفت ،

دیگر فنون متداوله را بیر از افاضل علمای آنجا آموخت و بمقامی عالی رسید ، زیاده

تر بیچ هزار کتاب داشته که همه آنها را ناخط خودش تصحیح کرده و بسیاری از آنها شرح

و حاشیه نوشته بلکه فاموس و تهذیب الحدیث و تفسیر نصابی و شرح لمعه و امثال آنها

را با هفتاد کتاب ناخط خودش نوشته است ، بسیار خوش خط و سریع القلم بود ، روزی

هزار بیت که هریتی پنجاه حرف است می نوشته و میگفته است محارحیکه پدرم برای

من میفرستاده کفایت بهای کتاب را نداشته و بهمین جهت تمامی کتابهای را که محل حاجتم

بود استساح میکردم تا آنکه پدرم فوت کرد و مال بسیاری ارثاً من رسید پس اقامت

در اصفهان را تصمیم گرفتم و کتابهای محل حاجت را کرایه کرده و دیگر استساح

نمیکردم تا الحمله شیخ ابوطالب بسیار عابد و راهد و متقی و مجتهد و متواضع و مبروی

و معاشرت مردم بی رعیت بود و کتاب تفسیر آیه قل الروح من امر ربی در سوره نسی اسرائیل  
 از تألیفات او است ، سال ۱۱۲۷ هـ قمری (عقبر) در اصفهان وفات یافت و شرح حال  
 پسرش شیخ محمدعلی حر بن را بیر بهمین عنوان حر بن نگارش دادیم  
 (مواضع منقره از درینه و ص ۱۰۳ ح ۱ بی و ۳۲۴ ح ۵ و ۴۵۰ ح ۶ عن)

شیخ ابوطالب - دربالا ضمن ترجمه حال برادرش راهدی ابراهیم  
 راهدی  
 مذکور شد

شیخ محمدعلی بن ابیطالب - عنوان حر بن مذکور شد  
 راهدی

مختار بن محمد - یا محمود بن محمد راهدی، ملقب بحم الدین،  
 راهدی  
 مکنی ابوالرحاء یا ابوالراحیا ، از علمای حنفیه قرن هفتم

هجرت و ارشادگردان سکاکی میباشد و از تألیفات او است

۱- تفسیر قرآن که معروف بتفسیر راهدی است ۲- فیه المیه لتتمیم المیه  
 در فقه حنفی که در کلکته جاب شد و در سال ششصد و پنجاه و هشت از هجرت درگذشت  
 و جمله معنی حق = ۶۵۸ و راهد دین معنی راهدی = ۶۵۸ ماده تاریخ او است  
 (ص ۲۴۰۹ ح ۴ س و ۹۶۱ مط و ۲۷۵ ح ۲ حه)

محمد بن احمد و حدّش محمد بن سنان و بعضی دیگر مصطلح  
 راهری  
 علم رحال است ، این نسبت در محمد بن مذکورین حدّ عالی

ایشان راهر بن عمر سلمی کندی صحابی بوده و در غیر ایشان ممکن است بر اهر بن حرام  
 صحابی و یا راهر بن اسود صحابی مسوب و یا بموضعی راهر نام مابین تسعیم و مگه که  
 از آنجا آب بر میدارند منتسب میباشد و تحقیق تمامی مراتب موکول بکسب رحالید میباشد  
 علی بن اسحق بن خلف - مکنی ابوالقاسم ، معروف براهی ،

راهی

شاعری است معروف که در ششیهات و استعارات دستی توانا داشت،

اکثر اشعارس در مدح خانواده عصمت ع بوده و مدایح ایشان را آشکارا میگفته است در  
 حق سیف الدوله و وزیر مهلبی و دیگر اکابر وقت خود بر مدایح بسیاری دارد، از آنرو  
 که در جمیع فنون متداوله ، سرگفته و اسعارش در همه جا مثل برق حلوه گر سده بهمین

لقب راهی شهرت یافته است که عربی بمعنی درخشانده میباشد و یا خود راهی گفتن او جهت انتساب بدیهی راه نام از دیهات یشابور است و از اشعار او است که در تشبیه بعشه گفته است

ولا روردة اوت برقتها  
کابها فوق طاقت صعف لها

بین الریاض علی ررق الواقیت  
اوائل النار فی اطراف کمرت

ایضاً

فم فهیء عاشعین ، اصحفا مصطلحین  
ثم عادا فی سرور ، من صدود آمین

جمعاً بعد فراق ، فجعاً منه و بین  
فهما روح و لکن ، زکمت فی حسدن

ایضاً

و مدامة کصیائها فی کأسها  
رقت وغاب عن الرحاحة لطمها

بور علی فلك الانامل نارع  
فکامنا الابرق منها فارع

صاحب بن عباد بر همین مصمون گوید

رق الرحاح و رقت الحمر  
فکامنا حمر ولا قدح

و تشابها فتشاكل الامر  
وکامنا قدح ولا حمر

ولادب راهی در بیستم صفر ۳۱۸ (شیخ) و وفاتش روز چهارشنبه بیستم جمادی الاخره سال ۳۵۲ قمری (شب) و یا آنکه بعد از سال سیصد و شصت هجرت در بغداد واقع شد و در مقابر قریش در حوار حصرت موسی بن جعفر ع مدفون گردید

(ص ۱۴۴ هـ و ۲۲۸ لـ و ۳۹۰ ح ۱ ک و ۳۵۰ ح ۱۱ تاریخ بغداد)

عبدالله بن شادان - مصطلح رجال و شرح حالش موکول بدان علم

رنالی

بوده و نسبت آن بر ناله میباشد که موضوعی است در راه مکه مابین و اوصه و ثعلبیه ، یکی دیگر در نواحی مدینه ، سومی مابین بغداد و مدینه ، چهارمی مابین فید و کوفه ، یا اینکه نسبت رنالی بمحدثی رناله نام محرومی ، یا بر ناله بن حشس حدّ بدر مالک بن حویرب صحابی است ، یا بر ناله دحر عمسة بن مرداس از شاعرات سوان مسوب میباشد و همین رنالد یا منقری مهاجرات داشته اند

لقب جعفر بن علی میباشد و شرح حالش در علم رجال است

رنسی

نسبت جعفر بن ابی جعفر منصور بن محمد - بن علی بن عبدالله بن

رنده

عباس بن عبدالمطلب بن هاشم ، مادر امین - محمد بن هرون الرشید



عناسی ، نامادری مأمون عناسی ، زن و دختر عم هرون ، کیسه اش ام جعفر ، نام اصلیش  
امه العریب و صفت طراوت و بصاری که داشته از طرف حدّش منصور بریده ملقب گردید  
وی از مشاهیر سوان بود و با حسن و جمال و وفور عمل و کمال و ادب و دکاوت و ورع  
و دیانت و فصاحت و بلاغت شهرت بی نهایت داشت ، خودش حافظ قرآن مجید بود و  
صد کسیرك داشته که همه شان حافظ قرآن بودند ، هر یکی روزی ورد دائمی يك عشر  
قرآن (سه حرو) را داشت و ماهی در قصر او سیصد قرآن تلاوت می شد، صوت قرآن سار  
صوت حرین رسور عسلی بلند می گردید و نوشته قاموس الاعلام هر شب در قصر او يك  
قرآن حتم میشد و ظاهر آن است که این حتم قرآن غیر از آن ورد مقرری روزانه بوده  
است ریده میل معرط بی اندازه سافیات صالحات و کارهای يك داشت ، همواره مسع  
حیرات و حساسات گوناگون بود، ناهل علم و مساکین و فقرا انعام و افضال بسیاری مینمود،  
در مکه و مدینه و راه مکه صلوات و صدقات بسیار و بی حساب معمول داشت، بر که ها و  
استخرهای بسیاری بنا نهاد ، نوشته در مشور ، يك ملیون و هفتصد هزار دینار (اشرفی  
طلای هیجده نحودی امروزی ما) در سفر حج در صدقات و نای مساحد صرف نمود ،  
موافق نوشته بعضی از اهل فن تمامی مصروفات شصت روزه سفر مکه او بالغ بحهل و  
پنج ملیون بوده وار درهم و دینار بودن آن که بالقریب ریال و تومان این عصر حاضر ما  
است نامی برده است هگامیکه يك مشک آب ارزش يك اشرفی طلا داشته است  
تمامی اهل مکه را سیراب نمود، از برحسته ترین آثار حیرت آ او یکرسته جسمه و محر ای  
آبی است که از ده میل مسافت با همت فتور داندیر شهر مکه آورده است، با عصر حاضر  
ما تمامی اهالی آن حاک و حجاج ست الله الحرام از آن مشروب هستند وکیل محارج  
او کثرت مصروفات و خارج از اندازه بودن آن را اظهار داشت در جواب گفت اگر حا  
يك کلک ردن با يك اشرفی طلا هم انجام یابد باید نمایان برسد انک مردمان بی شمار  
در تمامی ادوار روزگار رهین يك همت مردانه این زن تاریخی میباشند پس از آنک  
نوبت مأمون رسید و ظاهر دوالیمین از طرف او (شرحی که در محل خود نگارش دادیم

بعداد را مسخر کرد و محمد امین را کشته و اموال مادرش زینب را توقیف نمود، زینب، نامه‌ای حاسور اسماعیلی مشتمل بر چندین شعر دلخراش بمأمون فرستاد مأمون هم پیش از انداره متأثر شده و اموال او را بخودش مسترد نمود، محبت بی‌نهایت در حق وی معمول داشت، در قصر خلوت مکانی مخصوص و خدم و حواری بسیاری برای او مقرر کرد، نقاص قابلین مستطهرش گردانید و سالی صد هزار دینار بند و میداد و از جمله آن اشعار است

احیر امام قام من حیر عصر      و افضل راق فوق اعواد عصر  
گنت و عیبی تستهل دموعها      ائیک ان عمی من حمونی و محجری

زینب، نوشته‌ی بعضی از اهل سیر شیعی مذهب بوده و در نایب این موضوع گویند که در سال چهارصد و سی و سه از هجرت فتنه‌ بررگی مابین سنی و شیعی در بعداد واقع شد، در نتیجه، قبور آل بویه (که شیعه بوده‌اند) و قبر زینب و کتابهای شیخ طوسی و کرسی درس او را که بر روی آن تدریس میکرده و بعضی از آثار مذهبی شیعه را سوراخند و ظاهر آن است که سوراخند قبر زینب در حر و بظائر مذکوره آن برای شیعی وی بوده است اردواح رسیده با هارون سال یکصد و شصت و پنج هجری و وفاتش سال دو بیست و شانزده هجری در بعداد واقع گردیده است نگارنده گویند یکی از فنون مشهور بر زینب است زینب معروف و در میان اهالی آنجا بهمین زینب هارونی منسوب داشته و از جمله موقوفاتش می‌شمارند و در حدود ناصد و منجاء خانواده و عمارت عالی قابوی دولی از همان فیات مشروب میشوند و بر در حیاتی حدید الاحداث حمونی و شمالی آن شهر که حیاتیان صائب نامصور موسوم داشته‌اند قبرستان کوچکی است که قبرستان زینب معروف و بعضی از اهالی آنرا بر بهمین زینب هارونی منتسب دارند چنانچه قاموس الاعلام و بعضی دیگر از ارباب سیر بنای خود بر زینب را بر از همین زینب دانند لکن شاهدهی تاریخی در این سه موضوع ندست نیامد بلکه موضوع فرسان و بنای خود بر بر معایر تواریخ و سیر بوده و تحقیق مراتب خارج از موضوع کتاب ما است

(ص ۲۵۹ ج ۲ بی و ۲۱۵ در مشور و ۴۳۳ تاریخ بعداد و ۲۴۱ ج ۳ و ۲۷ ج ۲ حررات و ۲۰۸ کا)

ست فتحعلی شاه قاجار- مامد ریده هارونی ، ادیسه و عاقله و ریده

عارفه و شاعره و کثیر الحیرات بود ، بطاعات و عبادات دینیّه

مواظبت داشت ، در اماکن مشرفه تعمیرات رناب نمود ، اوقاف بسیاری یادگار گذاشت ،

در اشعار خود جهان تحلّص میکرد و دیوان شعری هم دارد وار اشعار او است

گفتند خوش در گوش دل چون عاشقی دیوانه شو	گر وصل در خواهی رخ خود بیگانه شو بیگانه شو
در عشق او گر صادقی باید سوری خویشش	در شعله عشقش دلا پروانه شو پروانه شو
اند دل هر عارفی رین می بود میخانه ها	خواهی دلا عارف شوی میخانه شو میخانه شو

ایضاً

درده من ای ساقی راں می دوسه پیمانه

خواهم که درین مستی خود بیر روم اریاد

ار عشق رخ جانان گشته است جهان حیران

حنا بچه اشاره شد ریده در سلك عرفا مسلك و ار مریدان حاج میرزا علی نقی همدانی

و همواره مراف و طائف دینیّه بود ، کمتر وقتی ار اوراد و ادکار فرائت داشت ، علاوه

بر زیارت مکه و مدینه بیست مرتبه زیارت ائمه عراق ع و ده مرتبه بیر زیارت مشهد

مقدس رسوی مشرف شد ، در مسافرتها هر گر تحمّلات ظاهری با خود نداشت ، بدل و

بختش بی نهایت می نمود ، در سفر و حضر تمامی طبعات عرب و عجم ار خود و کرم او

متنعّم بوده اند ، بقدر امکان در شهر رنده داری و ریاضت بدنی و ترک لذات دنیوی فرو گذاری

نمیکرد علی حان نصره الملك پسر رستم حان قره گورلو شرف همسری او نایل بوده و

حسین حان حسام الملك ار ایشان بو خود آمد رینه در زمان تألیف حیرات حسان که

در حدود سال ۱۳۰۴ ه قمری بوده هشتاد سال داشته و اسباب عزّت و احترامی که برای

او فراهم بوده کمتر کسی را نظیر آن روی داده است و سال وفاس بدست بیامد

(ص ۲۵۹ ج ۲ بی و ۱۱ ج ۲ حرات حسان)

زبیدی<sup>۱</sup>

ر ب دی

احمد بن احمد - بعنوان شرحی حواهد آمد

احمد بن عثمان بن ابی نکر بن بصیر - مکتبی بابوالعباس، ملقب

ر بیدی

شهاب الدین ، بحوی لغوی عروسی در فہوں مذکورہ وحید عصر

خود بشمار معرفت ، ریاست بحویہ بدو منتهی و مرجع استفادہ عموم بود، از افطار بعیدہ  
 یمن در حورہ درس او حاضر میشدند سوشٹہ بعضی، در یائی بودہ بی پایان و شرح مقدمہ  
 ابن ناسا و منظومہ ای در عروض و قوافی از تألیفات او میباشد و روز یکشنبہ بیست و یکم  
 شعبان ہفتصد و شصت و ہشت ہجری قمری در گذشت (ص ۸۵ ت)

عبداللطیف بن ابی نکر بن احمد بن عمر - یمانی زبیدی شرحی ،

ر ب دی

یکی از اکابر علوم عربیہ بودہ و از تألیفات او است

۱- شرح ملحہ الاعراب ۲- مقدمہ بحویہ ۳- منظومہ مقدمہ ابن ناسا

(سطر ۲۹ ص ۳۳۸ ب)

در سال ہشتصد و دوم ہجری قمری در گذشت

۱- زبیدی - در تنقیح المعال ، ضمن ترجمہ حال حسن بن علی بن ابی المعرہ زبیدی

کوفی گوید زبیدی (بسم اول و فتح ثانی) منسوب است برسد اکبر، از طون قبیلہ مدحج ک  
 نامس منہ اکبر بن صعب بن سعد بن مالک است، یا منسوب برسد اصغر مناسند، از طون قبیلہ  
 مذکورہ کہ نامش منہ بن ربیعہ بن سلمہ بن مارن بن ربیعہ بن منہ اکبر مذکور، یا منسوب  
 برسد نامی از طون قبیلہ تمیم، یا برسد دیگر از قبیلہ طی مناسند در مرصد گوید زبیدی (برورد  
 کامل) نام موضعی است، برورد امر در اصل نام بیانی بودہ کہ شہری حسب نامی در آنج  
 در زمان مأمون عباسی احداث شدہ و اکنون خود آن شہر را نام اصلی آن مابان، برسد گویند  
 و از بلاد مسہورہ یمن است، پس گویند زبیدیہ بر کہ ایست در راہ مکہ و دیہی است مایر  
 کر مانشاہان و برج قلعه و یکی دیگر در دو سہ و سحی واسطہ و محلہ ایست در سمت عربی بغداد  
 یکی دیگر قرب قبر مطہر حضرت موسی بن جعفر ع از قطاع رندہ ہارونی ناری زبیدی  
 در اصطلاح رحالی، لقب حسن بن علی بن ابی المعرہ و پدرش علی و خالد بن راشد و سعید بن  
 عبدالخبار و شہاب بن محمد و حمی دیگر و شرح حال ایشان ہو کول بعلم رحال میباشد و د  
 اینجا فقط بعضی از طبقات دیگر را کہ ہمیں وصف زبیدی معروف یا موصوف ہسند تذکر میدہ  
 و وجہ مست ہر یک بیکر کہ یکدام یک از مواضع با قبائل مذکورہ منسوب است از شرح حالہ  
 تحمیباً معلوم میشود

ر بیدی

عمرو بن معد یکر - ر بیدی مدحی صحابی، مکنی نابو ثور،

بحسب محصرت رسالت ص ایماں آورد ، پس از وفات آن محصرت

مرید شد ، اخیراً بار مصطر بقول اسلام گردید ، در یرموک و قادیسیه حاضر بود و هم در قادیسیه از عطش فوت نمود و یا پس از آن در وقعهٔ نهاوند میر حاضر شده و در یکی از دیهات آن در سال بیست و یکم هجرت در گذشت و فرش در نهاوند مشهور است (تنقیح المقال وص ۲۵۹ ح ۲ بی)

ر بیدی

محمد بن حسن بن عبدالله - بن مدح بن محمد بن عبدالله بن

مشر، اندلسی قرطبی ر بیدی ، مکنی نابونکر ، بریل قرطبه ،

بحسب انتساب بحدّ عالیش منه اکبر رسید بن صعب بر بیدی معروف بود ادیبی است نحوی لغوی مورّح حافظ شاعر کثیر الشعر که در نحو ولعت و اعراب و احبار وسیر ، احر و انصر اهل رمان خود بوده و چشم روزگار طیر او را کمتر دیده است فزون ادیبه را از ابوعلی قالی فرا گرفت و مستصر بالله صاحب اندلس او را تعلیم و تربیت اولاد خود برگماشت ، چون هشام مؤید بالله ولیعهد مستصر را حساب و علوم عربیه یاد داد تقریبی سرا یافته و ثروت بی نهایت نایل گردید و تقصوت اشیلیه منصوب شد بالیفات ر بیدی حاکی از علو مراتب علمی وی میباشد

۱- الانبیه فی النحو که موسسهٔ بعضی، از نوادر دهر است ۲- الاستدراک علی سنویه فی کتاب الانبیه و الریادات که در روم چاپ شده است ۳- تحلیه کتاب العین ۴- طبقات النحویین (الحاجه ح۱) و اللغویین از رمان ابوالاسود دثلی با رمان اساد خود ابوعبدالله نحوی رباحی که بطناب ر بیدی معروف است ۵- لحن العامة ۶- مختصر کتاب العین ۷- الموضح در نحو ۸- الواضح که طاهرا همان موضح است ۹- هتک ستور الملحدین از اشعار او است که در حق ابومسلم بن فهر گفته است

و معوله لانا المراتب واللدس	اساسلم ان الفتی بحبابه
اداکان معصورا علی قصر المنس	و لیس قیاب المرء تعنی قلامه
اناسلم طول المعود علی الكرسی	ولیس یفید العلم والحلم والحقا

رور بحشبه عرّه حمادی الاحره سید و همتاد و بهم هجرت در شب و سه سالگی در اشیلیه در گذشت (ص ۱ ح ۳ ع ۲ ح ۹۲ و ۲ ح ۱۵ و ۲ ح ۱۱۹ و ۱۸ ح ۱۸ ص ۹۶۱ مط)

محمد بن محمد بن عبدالرزاق - حسینی یمانی زبیدی حنفی ،

## زبیدی

معروف سید مرصی ، مکئی نابوالعیص ، از مشاهیر علمای

حنفیّه میباشد که بارها حج کرده و برای تحصیل علم مسافریها نمود ، در مکه تا سید عبدالرحمن عیدروس آبی الترحمة ملاقات کرده و از دست او حرقه پوشیده و دیری در حضور وی بود و شرف احارة مرویات و مسموعات وی بایل گردید ، حسب الارشاد او بمصر و حیات بحریته مسافر بها کرده و مورد اکرام اکابر هردیاری گردید تألیفات سودمند دارد و بعد از امام تاج العروس که مشهورترین آنها است ولیمهای داده و مشایخ و اکابر وقت و طلاب علم را دعوت نمود آن کتاب را سطر ایشان رسانید و پیش از انداره مورد تحسین و عطیه ایشان شد ، کثرت حیرت و احاطه علمی او رأی العین عموم گردید ، تقریبات نظمی و نثری بسیاری سگاشتند ، بعد از آن قطع الفت نموده و درحاله خود مسروی بود تا سال ۱۲۰۵ ه قمری (عمره) در مصر بامرض طاعون در شصت سالگی درگذشت و در بردیگی سینه رقیه مدفون گردید از تألیفات او است

۱- اتحاف السادة المتعلمين شرح اسرار احياء علوم الدين ۲- نلعة العرب في مصطلح آثار الحبيب ۳- تاج العروس من درر القاموس تا من شرح جواهر القاموس که شرح قاموس اللغه فرورآ نادی مساند ۴- تمیسه العارف البصیر علی اسرار الحرب الکبیر که شرح کتاب حرب الر ابوالحسن شادلی است ۵- عمدة الجواهر المیفة فی ادلة مذهب الامام ابی حنیفه ۶- نشوة الاربیاح فی بیان حقیقة المیسر و الفداح کد ضمن مجموعه (طرف عربید نامی) در لیدن چاپ شده است چنانکه کتاب دومی مذکور در مصر و پنجمی در اسکندریه و سه کتاب دیگر در قاهره نطبع رسیده اند (ص ۱۷۲۶ مط و عمره)

محمد بن یحیی بن علی بن مسلم بن موسی بن عمران - حنفی ، ادب

## زبیدی

بحوی لعوی ، از ادبای اواسط قرن ششم هجرت میباشد که با نهایت

فلاکت و عسرت گذرانید ، در شعر و فاقه صبر نمود ، از شدائد زمان شکایت نکرد از سخنان او است که حق را باید گفت اگر چه بلع باشد روزی مجلس یکی از ورراکه حاجب حریر و رازی در برداشه و حاضر بن سربك و بهمت می گفته اند وارد شده گفت

پوشنده لباس حریر را که در ساره مردان از محرّمات دینیّه اسلامیّه است تعرت لازم است نه تهیت ، باوجود این ، موافق مذهب سلیمانیّه از فرق ریدنیّه معتقد بوده است بر اینکه اهل معصیت را چون با تقدیر خداوندی است عداپی نباشد و مردگان در قبر مستعم بوده و میخورند و میآشامند از تألیفات او است

۱- الحساب ۲- العروس ۳- العواقی ۴- المقدمة فی النحو ۵- مسار الاقتصاء و منهاج الاقتصاء در ربیع الآخر سال ۵۵۵۵ قمری (ثمه) درگذشت (ص ۱۰۸ ح ۱۹ جم)

### ر بیری

ر بیری احمد بن محمد بن محمد بن محمد - بعنوان قاصی خواهد آمد

ر بیری احمد بن سلیمان - بن عبدالله بن عاصم بن مندر بن ر بیری

ر بیری

عوام ، فقیه شافعی مصری ، مکشی با عبدالله ، معروف بر بیری

مصری که اعمی و نابینا و در عصر خود پیشوای اهل بصره و مدرّس آن دیار بود، در ادبیات خطّی و افر داشت، از محمد بن سنان قرار و ابراهیم بن ولید و بطائر ایسان روایت نموده و محمد بن حسن نقاش صاحب تفسیر و جمعی دیگر نیز از وی روایت می کنند بقول ابن حنکله بعه و صحیح الروایه بوده و مصنفات بسیاری داشته است

۱- الاستشارة والاسحارة ۲- الامارة ۳- التسه ۴- رناصة المعلم ۵- ستر العوره ۶- الکافی در فقه ۷- المسکت ۸- الیه ۹- الهدایا ۱۰- الهدایة و غیرها و بیسار سال ۳۲۰ هـ قمری (شک) درگذشت (ص ۸ ح ۲ و ۱ کا و ۲۲۴ ح ۲ طبعات السافعة)

ر بیری نکار یا بکر بن ابی بکر نکار بن عبدالله بن مصعب بن

ر بیری

نابت بن عبدالله بن ر بیری بن عوام ، قرشی اسدی ر بیری ، مکشی

۱- ر بیری - بصم اول و فوج تابی ، منسوب بر سر بن عوام و بنا شخص ر بیری نامی دیگر است و در اصطلاح رحالی ، لقب احمد بن عبدالله بن ر بیری بن نکار و خود ر بیری بن نکار ، عبدالله بن عبدالرحمن و پدرش عبدالرحمن ، عبدالله بن مصعب ، عبدالله بن هارون ، محمد بن عمرو بن عبدالله بن ر بیری و بعضی دیگر بوده و در اینجا بعضی از موصوفین یا معروفین بهمین عنوان ر بیری را تذکر داده و شرح حال دیگران را موقوف بکس و حاله مداریم

ناو عبدالله، از اعیان علمای عاقله میباشد که در فقه و حدیث و شعر و ادب و احسان و انساب، علامه وقت خود و بسا به موصوف و متصدی قضاوت مکنه بود، مصنفات سودمند داشته و ابن التمیم سی و سه کتاب در نوادر و اشعار و انساب و غیرها بنویسند داده است و اشهر آنها کتاب انساب قریش است که حاوی مطالب بسیاری بوده و در معرفت نسب قریشین محل رجوع و اعتماد و استفاده میباشد، دیگری کتاب الموفقیات است در تاریخ که برای موفق بالله پسر متوکل عباسی تألیف داده و بعضی از احرای آن در عوطه چاپ شده است مصنفات دیگر او نیز حاکی از تعجب و کثرت احاطه و اطلاعات علمی او میباشد از طرف متوکل تربیت اولاد او معین شد، ده هزار درهم و ده نحت و ده فاطر برای او فرستاد که احمال و افعال خود را سامره که مقرر حلاوت متوکل بوده نقل دهد و بر شب یکشنبه بیست و سوم دی القعدة سال ۲۵۵ یا ۲۵۶ هـ قمری (رنه یا ربو) از پشت نام افتاده حسرت و تپه گاهش شکسته و در گذشت، پسرش مصعب بروی نمار خوانده و در قبرستان حجون دفن شد حدّ یا ندرش نکار میر ظلمی در باره حضرت رضا علیه السلام کرده و در نتیجه در سال ۱۹۵ هـ از قصر خود افاده و گردش خرد گردید و در گذشت موافق ابن خلکان نکار حدّ ریر بوده و بعضی از ارباب براحم ندرش داسته اند و دور بیست که از قبیل بیست حدّ باشد و بطائر آن بسیار است (ص ۲۶ ج ۲ بی و ۲ ج ۲ ک ۱ ص ۹۶ مط)

محمد صالح بن ابراهیم - مکنی ناو عبدالله، ملقب بحمال الدین،

ری

مؤلف کتاب فتاوی و کتاب فیض الملك العالم در فقه شافعی میباشد،

سال ۱۲۴۰ هـ قمری (عمر) در سجاه و ده سالگی در گذشت، کتاب اولی او در مکنه در حاشیه فتاوی الشیخ سلیمان حاج سده و دومی میر در حاشیه شرح یوسف بطاح مکنی که بر آن کتاب نوشته و نامش ارشاد الامام الی شرح فیض الملك العالم است در مصر و قاهره بطبع رسیده است (ص ۹۶۳ مط)

مصعب بن عبدالله بن مصعب بن ثابت - بن عبدالله بن ریر بن عوام،

ری

ادیب محدث ساعر کد در سن از اشرار و ناو اولاد حضرت امیر المؤمنین ع



متحاصر بوده است و از تألیفات مصعب است

۱- حمهرة نسقریش ۲- نسقریش ۳- السبالکسر رور چهارشنبه دویم شوال ۲۳۳ هـ قمری (روح) درگذشت (ص ۱۶ و عره)

بصم اول و فتح ثانی، جمع ریری می باشد و در اصطلاح روحانی عبارت  
از حمد تن از محدثین است که در تحت عنوان ریری اشاره نمودیم

ریر یون

### زجاج

ابراهیم بن محمد بن سری بن سهل - مکنسی نابواسحق، ملقب  
برحاح، بحری است مؤاح، از مساهیر نحویین و ادبا و علمای

رحاح

عربیت که ریاست نحو و علوم عربیه ندو مسپی میشد در بنایت حال در اثر شوق تحصیل  
علوم ادبیه و حاضر حوره درس مررد و ثعلب گردید، ناآن همه سگدستی که داشته و  
روری يك درهم و نیم از صنعت بلور تراشی عایدش بود همه روره بحسب فرار داد و مقاولد،  
با رور وفات مررد يك درهم احررت تعلیم ندو می برداحت و علاوه بر این امورات شخصی  
اورا بر انجام میداد تا در سیحۀ اس همه رحمت خود فون ادبیه را متقن داشت و بهمة  
شاگردان مررد مقدم گردید و بمصاحبت و منادمت عیدالله بن سلیمان بن وهب وریر معتصد  
عماسی اختصاص یافت و بتعلم و تربیت قاسم بن عبداللہ مذکور منصوب شد، سن آرا نکه  
قاسم بعد از فوت پدر بورارت رسید رحاح بر دراز معاهداتی که در اوقات تعلیم و تربیت  
بن اسان منعقد بوده سرور بی نهایت نابل گردید حناحیه از طرف قاسم بن عیدالله وریر  
وقت مفرر گردید عرایص مردم که ندر بار و رازی می نوسند بواسطۀ رحاح بمهر و امضای  
وزارتی نرسد و رحاح از درخواست کردن هیچ حیر امتناع ننماید انک ندیوسیله در

۱- رحاح- در رور نقال شسته گر و آئسه و بلور تراش و فروشده آنها است و بعضی از  
معروفین همین وصف را تذکر میدهد اما رُحاح بصم اول و تحصف بانی که عربی بمعنی بلور و  
شسه و آئینه است کسی را سراع نداریم که ملقب و موصوف ناآن ناسد بلی بعضی از دانشمندان،  
بجهت انساب آن، برحاحی معروف می باشد و در تحت همین عنوان (رحاحی) شرح حال ایشان  
خواهیم برداحت

اندک زمانی اموال بسیاری حیات نمود عبدالرحمن بن اسحاق مدکور در دیل و ابوعلی فارسی که شرح حالس بعنوان فارسی خواهد آمد از تلامذه رحاح بوده و او را بالیقات سیاریست

۱- الا نانه و التمهیم عن معنی سم الله الرحمن الرحیم ، بك نسخة خطی آن در عوطه موجود است ۲- الاشتقاق ۳- اعراب القرآن در دو مجلد و بك نسخة سیار فرسوده آن که در حدود سیصد و هفتاد و بد هجری با خطی شبیه بخط کوفی نوشته شده در حرانه کتب قسطنطنیه موجود و نوشته روضات الحیات نظر میرا عبد الله افندی رسیده است ۴- الامالی ۵- الانواء ۶- حلق الانسان و بك نسخة از آن برقم ۲۳۴ در حرانه مصر موجود است ۷- حلق الفرس ۸- سر النحو ۹- شرح ابیات سینویه ۱۰- شرح جامع المصطلق ۱۱- العروس ۱۲- فعلت و افعلت که در فاهره جاب سده ۱۳- الفرق ۱۴- القوافی ۱۵- ما یصرف و ما لا یصرف ۱۶- مختصر النحو ۱۷- معانی القرآن و حد نسخة خطی آن در کتابخانه حدیوئه مصر موجود است ۱۸- النوادر رحاح رور جمعه نوردهم حمادی الاحره سیصد و ده یا یارده یا شارده هجرت در حدود هشتاد سالگی در بغداد در عهد خلافت معتصد عباسی در گذشت از سوطی نقل است که آخرین کلام رحاح این بود اللهم احشرنی علی مذهب احمد بن حنبل (ص ۱۲۲ ح ۵مه و ۱۱ ح ۱ کا و ۴۴ ت و ۱۳

ح ۱ ح ۱۴۴ هـ و ۲۴۱۱ ح ۴ س و ۹ ف و ۱۸۱ ح ۲ ع و عره)

احمد بن حسین - مکسی یا بونکر، از نحویین اواسط قرن چهارم

رحاح

هجری عهد مطیع لله عباسی (۳۳۴-۳۶۳ هـ ق) میباشد و شرحی

دیگر بدست نامد

(ص ۲۳۶ ح ۲ ح ۱۱ و ۳۴ ح ۳)

حمید بن محمد - بغدادی بعنوان حمید نگارش دادیم

رحاح

### رحاحی

الراهیم بن یوسف بن محمد - مکسی یا بواسحاق، مشهور بر رحاحی،

رحاحی

(با صم و تحمیف) از اکابر عرفای عهد متوکل عباسی (۲۳۲-

۱- رحاحی- در وجه بست رجوع بعنوان رحاح بنامد و بعضی از مروهین بهمین

بست را تدکر میدهد

۲۴۷ هـ ق) وار اصحاب شیخ ابو حصص مشائوری بود، با حیدر بعدادی بیرصحت داشت، جماعتی از این سلسله بدو انتساب یافته‌اند و مؤسس مشرب ملامتیه می‌باشد و تا اواخر قرن سوم هجرت میریسته و سال وفاتش مصوط بیست (ص ۱۴۲ ح ۲مه)

عبدالرحمن بن اسحق - نهاوندی یا صیمری الاصل والولادة ،

### رحاحی

بعدادی الاشتعال ، شامی المسکن والمدفن ، ابوالعاسم الکبیه ،

از افاصل نحویین قرن چهارم هجرت و ارتلامده ابراهیم بن محمد رحاح مدکور فوق بود ، همین لقب رحاحی (با فتح و شدید) در جهت انتساب با استاد مدکور خود می‌باشد از بفظویه ، احفش صغیر ، محمد بن عباس بریدی ، ابوبکر بن درید ، ابوبکر بن اماری و دیگر اکابر وقت بیر درس خوانده و ارتالیفات او است

۱- الالف واللام ۲- الامالی در لغت که امالی صعری سرگوند و در فاهره چاپ شده

۳- الایصاح در نحو ۴- الحمل الکبری که نافع بن رین کتب نحویه می‌سازد که در میان اهل عربیه مشهور و بمصر لفحمل سبع عبدالقاهر بوده بلکه بر آن شرح دارد ۵- الراهر ۶- شرح حظه ادب الکاتب ۷- شرح کتاب الالف واللام ماری ۸- الکافی در نحو ۹- المحترع فی العوافی

کتاب حمل الکبری مدکور محل بوجه اهل حمزه می‌باشد ، جمعی از افاصل شرح و بلخیص آن در داحتها ند و سوشته آن حلتکان و موافق فعل معتمد از دمیری هر کس بدان اشتعال نماید بعضی می‌یابند ، در سبب آن بیرگوند که این کتاب را در مکه معظمه بصیف نموده هر وقتی که از یکی از ابواب آن فارغ می‌گشته محض شکرانه آن ، هفت شوط بدور کعبه طواف می‌کرد و معرفت خود و انتقاع قاری آن کنار اورد گاه خداوندی مستات می‌مود رحاحی در ماه رحب سال سیصد و سی و هفت تا نه و با در رمضان سیصد و چهارم هجرت در دمشق یا طبرنه شام در گذشت صیمری مدسوب است بصیمره و آن موضعی است در بصره و هم شهری است مابین خورستان و بلاد حبل

(کف و ص ۴۲۵ و ۲۹۹ ح ۱ کا و ۱۴۴ هـ و ۱۸۳ ح ۲ ع و عره)

محمد بن ابراهیم - پیشانوری ، مکنسی با نو عمر و ، مشهور بر رحاحی

### رحاحی

(بصم و تحمیف) از عرفای قرن چهارم هجرت می‌باشد که عمری

درار کرد ، شصت مرتبه حج نمود ، ابراهیم حواص و حمید و بعضی دیگر از اکابر این سلسله را دیده و چهل سال در مکه معظمه محاورت کرد تا سال سیصد و چهل و هشت هجری قمری در همان ارض اقدس وفات یافت و جمله **نوعمر و زحاحی = ۳۴۸ ماده** تاریخ او است (ص ۲۲۹ ح ۴۰۲ و ۲۲۸ ح ۲ طرائق و ۱۹۹ ح ۲ ح)

یوسف بن عبدالله - مکسی نابوالقاسم، معروف بزحاحی، ادیب

### زحاحی

بحوی لغوی وار اکابر علم ملاعت بوده و اربالیغات او است

۱- اشتقاق اسماء الریاحین ۲- حلق الانسان ۳- حلق الفرس ۴- شرح صیغ ثعلب

۵- عمدة البیان ۶- عمدة الکتب و غیر اینها سال چهارصد و پانزدهم هجرت در استرآباد

(س ۲۰ ص ۴۵ ت و ۶۱ ح ۲ حم)

### درگذشت

در اصطلاح رحالی ، عمر بن عبدالعزیز و شرح حالش موکول

### رحل

بکتب مربوطه است

از شعرای هندوستان که بحسب برهمنی مذهب بوده و عاقبت در

### رحمی

سال هزار و دویست و شصت و چهارم هجرت شرف دین مقدس

اسلامی مشرف گردید ، زبان های عربی و فارسی ، ترکی ، انگلیسی و دیگر زبانهای

سانسکریت آشنا بود ، در نظم بیر دستی توانا داشته وار او است

ر قلم آن حجاجو هم پشیمانی کشید آحر که بعد از مردم بردگر فاری بدید آحر

چو میگفتم که مردم در عمت ، باور بود او را بحمد الله که او مرگم بحشم خویش دید آحر

در سال هزار و دویست و شصت و هفت درگذشت (ص ۲۴۱۲ ح ۴ س)

رورن عطار ، در اصطلاح رحالی ، حسن بن محبوب میباشد که

### رراد

بعنوان سراد خواهد آمد ، سر لقب یرید و عبدالله بن علی و محمد

بن مفلح و بعضی دیگر بوده و شرح حال اسان موکول بدان علم شریف است

عندره بن اعیین بن سمن (رورن بلبل) - شیبانی الولاء ، کوفی الملهه ،

### رزاره

ابوعالی ، یا ابوالحسن الکلبی ، از اکابر اصحاب حضرت باقر و حضرت

صادق علیهما السلام میباشد قاری ، فقیه ، متکلم ، شاعر ادیب نارع ، حصال فصل و دیانت را جامع ، در فقه و حدیث از اعظم رجال شیعه ، موافق آنچه تحت عنوان حواریین اشاره نمودیم از حواریین حضرت نافع ، مدلول بعضی از آثار دینیست نسبت به حضرت صادق ع دوست ترین مردم از رندگان و مردگان و محبوب ترین اصحاب حضرت نافع بود یکی از چهار بن میباشد که در بعضی دیگر از آنها ایشان را سبحا ، امسای حلال و حرام الهی ، اوتاد ارض ، اعلام دین ، سابقین و مقربین و قیام بقسط و عدالت موصوف داشته و بصریح فرموده اند بر اینکه در صورت بودن ایشان آثار نبوت مدرس و منقطع میشد سه بن دیگر عبارت از محمد بن مسلم و ابو بصیر لیث و نرید بن معاویه هستند حناحه در باب کسی در شرح حال ابو بصیر لیث نگارش خواهیم داد و موافق آنچه در تحت عنوان اصحاب اجماع اشاره نمودیم رزاره ، افقه آن شش تن میباشد که فقیه ترین پیشینیان بوده اند کتاب الاستطاعة والحصر تألیف رزاره بوده و سال یکصد و پینجاهم هجرت در هفتاد سالگی وفات یافت

نصره حناحه موافق فهرست ابن السدیم نگارش یافت نام اصلی رزاره ، عدربه بوده و رزاره لفس میباشد ، تعرض ما شرح حال او بر روی همین اصل است ، اما عین بدر رزاره ، در اصل رومی و مملوک مردی از سی شیمان بوده که اخیراً آزادس کرد و بهمین جهت نسبت ولای عتق او بهمین قبیله پیوندد ، مالک او بعد از آزادگردش میخواست است که نسبت خودس ملحق سارد (حناچه مرسوم بوده) لکن عین راصی شد و نسبت ولاراکه محکم دین مقدس اسلامی بر مشأ بعضی از احکام دینیست است بالحق سسی تر جمع داد اما سس (برورن بلبل) حد رزاره ، از راهبان روم بود ، گاه گاهی با امان نامه پسر خود عین داخل بلاد اسلام میشد ، او را دیدار کرده و بار بلاد خود بر میگشته است (ص ۳۰۸ و کتب رحالبه)

صمّ اول ، عنوان و لقب مشهوری بعضی از اکابر میباشد که جهت اتساب بر رزاره بهمین عنوان شهرت یافته اند در اصطلاح رحالی

رزاری

عبارت از احمد بن محمد بن اعیان بن سسس، احمد بن محمد بن سلیمان بن حسن بن  
 حهم، سلیمان بن حسن بن حهم، علی بن احمد بن محمد بن سلیمان، علی بن سلیمان  
 مرزور، محمد بن سلیمان مذکور، محمد بن عبدالله یا عبدالله بن احمد و غیرهم بوده  
 و شرح حال ایشان هوکول مکتب رحالیته است

احمد بن محمد بن محمد بن سلیمان - در باب کسی بعنوان ابوعالب

رزاری

راری خواهد آمد

عبدالله بن احمد بن محمد - شرح حالش هوکول بر حال و تاریخ

رزاری

بعناد است

احمد بن عبدالله - ادب لغوی، معروف باوعمر و، ار علمای عربیه

رزوی

فرد چهارم هجرت میباشد که در فن بلاغت و براءت و معرفت

اصول و ادب سرآمد افران عصر خود بود، در کلمات بعضی از اهل فن بعلامه موصوف

است، با آن همه ضعف و نایوانی و رنجوری که داشته هنگامی که سخن سرائی آغاز

میکرد شنوندگان را با براءت کلمات خود در نشاط و طرب میآورد، وی سال سیصد و

هشتاد سه از هجرت درگذشت رزوی، بفتح اول، از دیهات اسفراین است

(صد و س ۶۴ت)

در اصطلاح رحالی، محمد بن آدم مدایمی میباشد و شرح حالش

رزفان

در آن علم است

ست عدوی - از حواین کوفه میباشد که در حرب صمین از طرفداران

رزقاء

حصرت امیر مؤمنان ع بود، مردم را بصرت آن حصرت شوق

میسود، مقاله های فصیح بسیاری در این موضوع سروده است که در کتاب بلاغات النساء

احمد بن ابی طاهر (که شرح حالش در باب کسی بعنوان ابی طاهر خواهد آمد) نگارش

نافته است اما رزقاء بعامه که در بلده یمامه میریسته از زبان جاهلیت میباشد، از مسافت

بعیده میدید و قوه ناصر ه اس بسیار قوی بوده است، اسك در این صفت دور بینی صرب المثل میباشد

(الملاعاب منقره)

ررقانی

ابراهیم بن یحیی - بعنوان نقاش حواهد آمد

ررقانی

محمد بن شداد بن عیسی - مسمعی ، مکنی بابونعلی ، معروف

بررقان ، از متکلمین معتزله میباشد ، از محدثین نقل حدیث

نموده است ، بسیار ضعیف الحال بود و روایات او قابل احتجاج و ثبت دفابر نمیشد

وی سال دویست و همداد و هشت یا نه هجرت در بغداد درگذشت

(ص ۳۵۳ ح ۵ تاریخ بغداد)

زرقانی

ررقانی

عبدالقاسم بن یوسف بن احمد - یا محمد بن علوان ررقانی مصری ،

مالکی فقیه حلیل مشحّر بود ، در جامع اهر تدریس میکرد

و ارتالیفات او است

۱- شرح مختصر حلیل در فقه مالکی که در قاهره چاپ شده است ۲- شرح مقدمه مغربه

و ما حاشیه شیخ علی عدوی که بهمین شرح نوشته در قاهره چاپ شده است و غیر اینها

وی سال یکهار و بود و بهم هجری قمری در همداد و نه سالگی درگذشت

(ص ۹۶۶ مط و عره)

ررقانی

محمد بن عبدالقاسم - مذکور فوق از محدثین مالکیه میباشد و

بحایمة المحدثین موصوف بود و ارتالیفات او است

۱- شرح منج محمدیه قسطلانی که نامش مواهب اللدیه است ۲- شرح موطأ ابن مالک

که هر دو در قاهره چاپ شده است ۳- المواهب اللدیه فی شرح المنج محمدیه که همان

شرح منج مذکور فوق است ررقانی سال هزار و صد و بیست و دو هجری قمری در شصت

و هفت سالگی درگذشت ، محدث معاصر فمی در اینجا گویند که ررقان بصم اول موضعی

(ص ۱۴۵ هـ و ۹۵۷ مط)

است در بواحی قم

۱- ررقانی - مسوب است بررقان و آن نوشته مرصده (برورن مردان) نام موضعی

است و (برورن گلدان) با حنه ایست در حصر موت و بصم اول و تسدید بابی نام دیهیی است دیگر

محل آن موضع و آن دیه را معن بکرده است و نوشته محدث معاصر (بصم اول) موضعی است

در بواحی قم

در اصطلاح رحالی ، لقب حیر بن ایاس ، حلال بن رافع ،  
 ررقی حلال ررقی ، دگوان بن عدقیس ، عیسی بن معاویة و غیر ایشان

بوده و شرح حالشان موکول بدان علم شریف است

در مراد گوید رُرقُ (برورن مدّت) دیبہ است در مرو و یابانی است در حجار  
 و یمن ، برورن (دلوق) دیبہ است در مرو که پرد حرد آحرین ملوک فرس در آنجا مقتول  
 شده است در سقیح المقال ضمن ترجمه حیر بن ایاس ررقی از بعضی نقل کرده که ررق  
 دیبہ است در مرو که پرد حرد آحرین ملوک فرس در آنجا مقتول شده و محمد بن احمد  
 بن یعقوب محدّث ررقی نیز از آنجا است، پس گوید که این نسبت مناسب محمد مذکور  
 نیست بلکه ررقی در عنوان محمد مسوب سی رریق است که یکی از بطون انصار از حرح  
 میباشد و در مقام نسبت آن ررقی گویند (بصم اوّل و فتح یابی برورن حہسی) سی رریق  
 ارقبائل عرب اولاد رریق بن عامر بن رریق بن عبدحارثه بن مالک بن عصب (عصب حرا)  
 بن حشم بن حرح بوده و حمعی از صحابه نیز از ایشان بوده اند در بعضی از نسخ  
 بعوس ررقی درقی بوده که اوّل حرف دال و دویمش حرف را (هر دو بی نقطه) و در بعضی  
 دیگر ررقی است که اوّل آن رای بی نقطه مکسور و دوم آن رای نقطه دار ساکن میباشد،  
 بنا بر این محتمل است که مسوب بمدینه الررق باشد که پیش از استیلای مسلمانان در  
 بصره نام یکی از سرحدات عجم بوده است و در آنجا کلام خود گویند نسبت بحیر بن  
 ایاس همان ررقی که مسوب سی رریق است مناسب تر میباشد

محمد بن بہادر بن عبد اللہ - برکی مصری ررکشی ممہاجی ، ملقب  
 ررکشی

بہ بدرالدین ، مکسی ، ابو عبد اللہ ، از علمای عاقہ او احر قرن

ہستم ہجرت میباشد، پدرش بہادر، مملوک بعضی از اکابر بود ، خودش در کودکی صحت  
 ررکشی آموخت و کتاب ممہاج و بعد را حفظ کرد و موصوف بودن او بررکشی و ممہاجی  
 نیز از ہمین راه است برای تحصیل علم بدمشق و حلب مسافرت کرد تا تألیفات سودمندی  
 موقوف آمدہ کہ از آن حملہ است



۱- الاتقان فی تفسیر القرآن ۲- اعلام الساجد فی احکام المساجد ۳- تشیف المسامع  
 مجمع الحوامع یا فی شرح جمع الحوامع ناح الدین سکی که در مصر با چند شرح دیگر جمع الحوامع  
 در مکه چاپ شده است ۴- التصحیح ببرد در تفسیر قرآن است ۵- زهر العریش فی احکام الحشیش  
 ۶- سلسل الذهب در اصول ۷- لقطه العجالات که در قاهره چاپ شده است و غیر اینها  
 وی سال هفتصد و بود و چهارم هجرت در چهل و سه سالگی در قاهره وفات و در مقبرة  
 قراه صغری مدفون گردید (ص ۱۴۵ هـ و ۲۴۱۴ ح ۴ س و غیره)

**ررکوب** شاعر تبریزی ، بعنوان نجم الدین ررکوب خواهد آمد

**ررنگر** بحارالی - بعنوان جوهری نگارش دادیم

**ررنگر** شیخ نجیب الدین رضا اصفهانی ، از محدثین عرفا و عامی و بی سواد  
 بود ، در اصل تبریزی ولی در اصفهان اقامت گرفته و دست ارادت  
 شیخ محمد علی مؤذن حراسانی از مشایخ سلسله دهیسه داد، عاقبت خودش بپیر از مشایخ  
 آن سلسله گردید، بهر يك از رضا و جوهری و نجیب الدین تحلیص میمود خلاصه الحقائق  
 (مشوی) ، دیوان عربیات و سبع المثانی (متوی) از آثار او بوده و از اشعار او است  
 شمع و چراغ همه روش از او است بوی خوش هر گل و گلشن از او است  
 کسه کمالتش عری از عقلها است قرب وصالش ببری از غلها است  
 او است سیط و همه عالم ساط او است محیط و همه عالم محاط  
 در سال یکپهار و هشتادم هجرت در گذشت (ص ۱۳۳ ریاض المعارف)

**ررندی** محمد بن یوسف - بن حسن بن محمد بن محمود بن حسن ررنندی  
 مدنی حنفی، ملقب شمس الدین یا جمال الدین، محدث مدینه،  
 از علما و محدثین و حفاظ اهل سنت و از اکابر ایشان بوده و از تألیفات او است  
 ۱- نعیة المرتاح که حاوی جهل حدیب با شروح و اساسد آنها میباشد ۲- درر السطین  
 فی ماب السطین یا فی فضائل المصطفی و المرتضی و السطین یا فی فضائل المصطفی و المرتضی  
 و المتول و السطین مشایخ ررنندی بالغ صد بن میباشد ولادت او در سال ششصد و بود  
 و سه و وفاتش در سال هفتصد و پنجاهم یا پنجاه و خندم هجرت بوده  
 (ص ۲۹۵ ح ۴ کمس و ۲۵ و ۷۴۷ ح ۱ کف و ۲۶۷ ح ۳ بی)